

نمودار ها چگونه نیستند که به نظر میرسند

هر روز نمودار های قیمت در جلوی چشمان شما میرقصند، خود نمایی می کنند ولی شما فقط چیزی را در آنها می ببینید که می خواهید، کمی به ذهن خود فشار نمی آورید که به عمق بازار نفوذ کنید و چیزهایی را ببینید که دیگران نمی بینند. در این پست قصد دارم داستانی برای شما تعریف کنم که کمی ذهن شما را به چالش بکشم، کمی آنرا منحرف کنم و وادار به کنکاش کنم.

مردی با دوچرخه اش به ایستگاه مرزی میرسد، او دو کیسه بزرگ همراه خود دارد. مامور مرزی از او میپرسد : “در کیسه ها چه داری؟” مرد دوچرخه سوار پاسخ میدهد “شن.” مامور او را از دوچرخه پیاده میکند و چون به او مشکوک بود ، او را بازداشت میکند و کیسه های او را با دقت بازرسی می کند ، ولی پس از بازرسی فراوان ، واقعاً جز شن چیز دیگری نمییابد. بنابراین به او اجازه عبور میدهد. هفته بعد دوباره سر و کله همان شخص پیدا میشود و مشکوک بودن و بقیه ماجرا... این موضوع به مدت سه سال هر هفته یک بار تکرار میشد و پس از آن مرد دیگر در مرز دیده نشد. یک روز آن مامور در شهر او را میبیند و پس از سلام و احوال پرسی ، به او میگوید : من هنوز هم به تو مشکوکم و میدانم کاسه ای زیر نیم کاسه است ، راستش را بگو چه چیزی را از مرز رد میکردی؟ مرد که برای خود پول و ثروتی فراهم کرده بود با پوزخندی پاسخ میدهد : دوچرخه

آری این یکی از رموز بازهای مالی است که چیزی را ببینید که بقیه نمی بینند.

دوستان عزیز این این داستان را نقل کردم تا برای شما توضیح دهم به شکل دیگری به نمودارهای مالی نگاه کنید، نوع نگاه خود را عوض کنید و فریب ظاهر آنها را نخورید. اگر این نوشته و داستان در آینده باعث موفقیت مالی برای شما شد از ما هم یادی کنید.